



Woman in Development and Politics

Analyzing the Behavioral Intention of Rural Women Members of Local Micro-Credit Funds in Lorestan Province towards Self-Employment

Fatemeh Movahdian¹ | Saeed Gholamrezai² | Fatemeh Rahimi-Feyzabad³

1. M.Sc. Student of Rural Development, Department of Agriculture Economics and Rural Development, Faculty of Agriculture, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: newnaz8791@gmail.com
2. Corresponding author, Associate Professor, Department of Agricultural Economics and Rural Development, Faculty of Agriculture, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: gholamrezai.s@lu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Agricultural Economics and Rural Development, Faculty of Agriculture, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: rahimi.fa@lu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 27 February 2023

Received in revised form: 25 April 2023

Accepted: 7 June 2023

Published online: 22 December 2023

Keywords:

Lorestan,
Micro-Credit Funds,
Rural Women,
Self-employment Intention,
Social Cognitive Career Theory (SCCT).

ABSTRACT

Rural women's employment can be one of the ways to generate income, reduce the pressure on resources, and as a result, rural development. Meanwhile, the cooperative sector can play a significant role in the employment of rural women. But a vital issue that is important in this regard is the factors that influence the decision and intention of rural women who are members of local micro funds to start investing and working in cooperatives. In this regard, this research was designed to investigate factors affecting the behavioral intention of rural women members of Lorestan Province Micro Credit Funds towards self-employment in Cooperatives. The statistical population consisted of all rural women members of Lorestan Province Micro Credit Funds (N= 1087) who sampling of multistage quota proportional to the sample size through Krejcie and Morgan sampling table resulted in to select of 307 samples. Data collection in this study was conducted using a researcher-made questionnaire. After preparing the questionnaire and confirming its validity by the experts panel, its reliability was confirmed through a pilot study by calculating Cronbach's alpha values for the variables investigated. Structural equation modeling was used to determine factors influencing rural women's intention to self-employment in cooperatives through AMOS₂₄. The results revealed that the interests variable has the highest direct impact on rural women's intention to self-employment in cooperatives and self-efficacy has the highest indirect influence on rural women's intention to self-employment in cooperatives.

Cite this article: Movahdian, F., Gholamrezai, S., & Rahimi-Feyzabad, F. (2023). Analyzing the behavioral intention of rural women members of local micro-credit funds in Lorestan province towards self-employment. *Women in Development and Politics*, 21(4), 943-973. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.356068.1008321>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.356068.1008321>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

واکاوی قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی استان لرستان نسبت به خوداشتغالی

فاطمه موحدیان^۱ | سعید غلامرضایی^۲ | فاطمه رحیمی فیض‌آباد^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: newnaz8791@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: gholamrezai.s@lu.ac.ir
۳. استادیار، گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: rahimi.fa@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>تنوری شغلی شناختی اجتماعی، زنان روستایی، صندوق‌های اعتباری خرد، قصد خوداشتغالی، لرستان.</p>	<p>اشتغال زنان روستایی، یکی از راهکارهای درآمدزایی، کاهش فشار بر منابع و در پی آن توسعه روستایی است. در این بین بخش تعاون می‌تواند در زمینه اشتغال زنان روستایی، نقش بسزایی داشته باشد. اما موضوع مهمی که در این راستا حائز اهمیت است، عواملی است که بر تصمیم و قصد زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی برای شروع سرمایه‌گذاری و فعالیت در تشکلهای تعاونی اثرگذار است. در این راستا، این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد استان لرستان به خوداشتغالی در قالب تشکلهای تعاونی به روش پیمایش انجام شد. جامعه آماری زنان روستایی عضو فعال صندوق‌های اعتباری خرد استان لرستان شامل ۱۰۸۷ نفر است که به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتساب، متناسب با حجم نمونه و بر پایه جدول کرجسی و مورگان، نمونه‌ای ۳۰۷ نفری برای تحقیق انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در این پژوهش با پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شد. پس از تهیه پرسشنامه، روایی شکلی و محتوایی آن توسط متخصصان موضوعی و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مختلف تحقیق تأیید شد. برای تعیین عامل‌های مؤثر بر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در تعاونی‌ها از مدل معادله‌های ساختاری و نرم‌افزار AMOS²⁴ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد متغیر علائق، بیشترین تأثیر مستقیم را بر قصد زنان روستایی به اشتغال در تعاونی‌ها دارد و خودکارآمدی، دارای بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر قصد زنان روستایی به اشتغال در تعاونی‌ها است.</p>

استناد: موحدیان، فاطمه، غلامرضایی، سعید و رحیمی فیض‌آباد، فاطمه (۱۴۰۲). واکاوی قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی استان لرستان به

خوداشتغالی. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۴)، ۹۴۳-۹۷۳. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.356068.1008321>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2023.356068.1008321>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه در اغلب کشورها، کاهش فقر و بیکاری و ایجاد اشتغال در روستاها است (Alizad & Bahrami, 2017: 122). در این میان، زنان روستایی که نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند (Mirlotfi et al., 2013: 49)، به‌عنوان یکی از عوامل غیرمشهود در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهند که اشتغال و کارآفرینی آن‌ها از اهرم‌های مؤثر در توسعه اقتصادی و مشارکت اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین برنامه‌ریزان بسیاری از کشورها اتفاق نظر دارند که در برنامه‌های توسعه باید به نقش زنان و نیازهای آن‌ها توجه ویژه صورت گیرد (Barghi et al., 2014: 156).

زنان روستایی با انجام فعالیت‌های خانه‌داری (پخت‌وپز، شست‌وشو، نگهداری و محافظت از بچه‌ها و...) و فعالیت‌های بیرون از منزل (کشاورزی و دامپروری)، نقش مهمی را در رسیدن به توسعه روستایی به عهده دارند (Mirlotfi et al., 2013: 50). همچنین مطالعات انجام‌شده در زمینه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی حاکی از آن است که زنان روستایی با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی برعهده دارند (Ingutia et al., 2020: 3). علاوه بر این، مالکیت و کنترل زنان بر دارایی‌ها حائز اهمیت است (Johnson et al., 2016: 1) و مشارکت زنان در بازار کار به افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌انجامد. همچنین وضعیت زنان روستایی تعیین‌کننده رفاه فرزندان آن‌ها است. به عبارتی مادر هم عواقب فقر فرزندان را متحمل می‌شود و هم فقر خود را به آن‌ها منتقل می‌کند (Ingutia et al., 2020: 2). اما با وجود اهمیت و نقش حیاتی زنان روستایی، متأسفانه آن‌ها از محرومیت اجتماعی رنج می‌برند و مانند مردان با آن‌ها رفتار نمی‌شود (Alonso & Trillo, 2014: 149). بنا بر مطالب مذکور، انتخاب زنان روستایی به‌عنوان یکی از توانایی‌های بالقوه و بالفعل مناطق روستایی در توسعه کشاورزی و بهبود اقتصاد کشاورزی روستاها بسیار حائز اهمیت است (Mohammadpoor, 2019: 990). پس اشتغال و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی جامع روستایی در جهت توسعه جوامع روستایی، ضروری است (Salehi et al., 2017: 58) و اولویت و دغدغه مسئولان در راستای هدف‌گذاری و طراحی سیاست‌های روستایی به‌شمار می‌آید (Koolwal, 2021: 2).

مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی، پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبه آن‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی است. در این راستا، فرصت‌های کمیاب اقتصادی و شغلی که زنان در مناطق روستایی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، عمدتاً روی خوداشتغالی آن‌ها متمرکز

شده است (Alonso & Trillo, 2014: 153); به گونه‌ای که در بسیاری از کشورها، زنان روستایی اغلب افرادی خوداشتغال محسوب می‌شوند (Koolwal, 2021: 2). بدین ترتیب، در جامعه‌ای که مشارکت زنان روستایی در زمینه خوداشتغالی و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود و با افزایش نقش اقتصادی زنان در خانواده به توانمندسازی آن‌ها می‌انجامد. برعکس، دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌های کسب درآمد و اشتغال که به صورت بیکاری و کم‌کاری پدیدار می‌شود، خود از مهم‌ترین علل فقر است. معمولاً زنانی که دسترسی کمتر و کنترل کمتری بر منابع تولیدی، محدودیت‌های زمانی بیشتر، سلامت روانی و جسمی کمتر و عزت‌نفس پایین‌تری دارند، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی وضعیت مناسبی ندارند (Ingutia et al., 2020: 3). به همین دلیل بسیاری از مداخلات توسعه، انتقال منابع به زنان را هدف قرار می‌دهند (Roy et al., 2015: 1). همچنین به اعتقاد برخی محققان (Patil & Kokate, 2017: 157)، زنان به دلیل دسترسی نابرابر به کار، تحصیل و دارایی، بیشتر از مردان در فقر زندگی می‌کنند. این موضوع در حالی است که برای از بین بردن فقر، بیکاری و نابرابری باید هر دو جنس را مدنظر قرار داد و باید شناخت جایگاه و نقش زنان در توسعه و ابعاد گوناگون آن در کانون توجه برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد. به همین دلیل درک بهتر کار زنان روستایی، از لحاظ اشتغال و محدودیت‌هایی که با آن‌ها مواجه هستند، برای هدف‌گذاری و طراحی مداخلات سیاستی، حیاتی است (Koolwal, 2021: 1).

پس زنان باید به سوی توانمندسازی، به ویژه توانمندسازی اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی هدایت شوند (Narayanan et al., 2019: 2). در این راستا لازم است به منظور بهبود استقلال اقتصادی زنان، آن‌ها را به انجام فعالیت‌های خوداشتغالی تشویق کرد (Alonso & Trillo, 2014: 154). در این رابطه، یکی از برنامه‌هایی که در کشور ایران با هدف توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی اجرا شده است، فراهم‌سازی زمینه بهره‌گیری زنان از اعتبارات خرد با تأسیس صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در روستاها توسط وزارت جهاد کشاورزی بوده است (Kooshki et al., 2011: 16) که به دلیل گسترش تعاونی‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی می‌تواند این صندوق‌ها را نوعی خوداشتغالی محسوب کرد. صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، نهادی است که از سال ۱۳۷۹، برای توانمندسازی زنان و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد روستایی از طریق پرداخت وام‌های کوچک و کم‌بهره توسط سازمان جهاد کشاورزی، فعالیت خود را آغاز کرده است (Babaei-Amin et al., 2020: 136-137). صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ابعاد مختلف

اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و روان‌شناختی در زندگی زنان روستایی تأثیر مثبت دارند (Norouzi et al., 2019: 143). اعطای تسهیلات اعتبارات خرد موجب توانمندسازی زنان عضو صندوق از طریق افزایش درآمد و میزان دارایی آن‌ها در نواحی روستایی می‌شود (Saeidi et al., 2018: 154). همچنین اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد با داشتن درآمد و پس‌انداز مستقل، دسترسی به منابع و تسهیلات، قدرت بازپرداخت وام و... از زنان غیر عضو که اغلب دسترسی به تسهیلات اعم از (بانکی و غیربانکی) و نیز پس‌انداز و درآمدی ندارند، توانمندتر هستند. از طرفی توانمندسازی خانوادگی در زنان عضو صندوق اعتبارات خرد با داشتن قدرت تصمیم‌گیری بیشتر در مورد مسائل مختلفی همچون تحصیل، اشتغال، ازدواج و... نسبت به زنان غیرعضو بالاتر است (Barimani et al., 2010: 80). علاوه بر موارد مذکور، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مشارکت زنان در جامعه روستایی، ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و ورود به کارآفرینی یا خوداشتغالی است که صندوق‌های اعتبارات خرد نقش بسزایی در تحقق این موضوع دارند (Namjouyan Shirazi, 2015: 65). در این بین در استان لرستان، تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۳۱ تعداد ۱۶۵ صندوق اعتباری خرد فعال وجود دارد که در زمینه‌های مختلف تولیدی، زراعی، باغی، صنایع‌دستی و... فعالیت می‌کنند (Organization of Agriculture -Jahad- Lorestan, 2021) که شواهد نشان از عدم کارایی کافی و بهره‌ورانه آن‌ها دارد. به اعتقاد صالحی و همکاران (Salehi et al., 2017: 677-678)، بخشی از عدم کارایی کافی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان لرستان، به دلیل مواجهه با مسائل و مشکلاتی همچون مدیریت ضعیف صندوق‌ها، آموزش ناکافی زنان روستایی، کمبود اعتبارات، درآمد کم اعضا و بی‌اعتمادی به ارگان‌های دولتی است. بخشی از این عدم بهره‌وری نیز می‌تواند ناشی از پایین بودن قصد و تمایل زنان روستایی باشد. اما قبل از هرگونه تلاش برای بهبود وضعیت اشتغال زنان روستایی، لازم است ابتدا قصد زنان روستایی به راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارهای خانگی از طریق راه‌اندازی صندوق‌های خرد بررسی شود (Ahmadpour et al., 2021: 66). به عبارتی درک و شناخت قصد زنان و عواملی که در بروز این مقاصد نقش دارند، ضروری است تا بتوان موجبات برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه‌تر در جهت بهبود خوداشتغالی آن‌ها را فراهم آورد؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر واکاوی قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی استان لرستان نسبت به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است.

شاه‌آبادی و خاتمی (۲۰۱۳) معتقدند قسمت عمده‌ای از نیروی کار فعال در هر جامعه‌ای، خواهان ایجاد درآمد توسط خودشان هستند و قصد دریافت حقوق و دستمزد از کارفرما یا مؤسسات خصوصی و دولتی ندارند یا به لحاظ شرایط اقتصادی نمی‌توانند در واحدها، بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی و

خصوصی اشتغال داشته باشند. این بخش از نیروی کار در ادبیات اقتصادی به بخش خوداشتغالی تعلق دارند. این نوع فعالیت‌ها بسیار گسترده‌اند و در تمام بخش‌های اقتصادی (صنعت، خدمات، کشاورزی و ساختمان) مشاهده می‌شوند. پدیده خوداشتغالی در روستاها و شهرها وجود دارد. روستاها همچون شهرها، مملو از فرصت‌های جدید و کشف‌نشده هستند که بهره‌گیری از این فرصت‌ها و ایجاد کسب‌وکارهای جدید می‌تواند دارای مزایای اقتصادی زیادی باشد و زمینه تنوع‌بخشی به درآمد روستاییان و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی در مناطق روستایی فراهم کند (Lordkipanidze et al., 2005: 787). در رابطه با موضوع پژوهش، منظور از خوداشتغالی زنان روستایی، هرگونه کسب‌وکار خودکارفرمایی زنان روستایی از طریق بهره‌مندی از اعتبارات خرد روستایی است که با توجه به ماهیت، ساختار و کارکرد جمعی و اجتماع‌محور، می‌تواند در قالب یک تشکل تعاونی انجام گیرد.

یکی از روش‌های مطالعه رفتار و قصد انسان و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن، کاربرد روان‌شناسی و مدل‌های اجتماعی-روانی است که در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف تحقیق از مدل روانی اجتماعی نظریه شغلی شناختی اجتماعی^۱ (Lent et al., 1994: 99) استفاده شده است که این مدل به تفصیل در ادامه ارائه خواهد شد. این نظریه، یکی از معتبرترین و موردقبول‌ترین نظریه‌ها برای درک انتخاب شغل به‌شمار می‌آید (Caines, 2017: 49) که از زمان معرفی آن، توجه زیادی را به خود جلب کرده است (Lent et al., 2010: 244). تحقیقات قبلی نشان داده‌اند نیروهای زیادی وجود دارد که نقش مهمی در انتخاب خوداشتغالی فرد دارند (McStay, 2008: 9). با این حال، استفاده از نظریه شغلی شناختی اجتماعی برای تصمیم‌گیری خوداشتغالی تاکنون به‌درستی بررسی نشده است. این موضوع در حالی است که کاربرد این نظریه ممکن است به تسهیل توانایی پیش‌بینی قصد و رفتار فرد برای انتخاب خوداشتغالی منجر شود (Segal et al., 2002: 48).

۲. پیشینه پژوهش

نظریه شغلی شناختی اجتماعی، نظریه دقیق و مفیدی در توضیح چگونگی ایجاد علاقه به خوداشتغالی در افراد است (Caines, 2017: 49) و راهی برای درک و توضیح شکل‌گیری علائق تحصیلی و حرفه‌ای، انتخاب و پیگیری انتخاب‌های شغل‌محور و عملکرد و پشتکار در تلاش‌های آموزشی و شغلی افراد به‌شمار می‌رود (Lent et al., 2001: 474). نظریه شغلی شناختی اجتماعی، گسترش یافته نظریه شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۸۶) است (Lent et al., 2005: 84). لنت و

1. Social Cognitive Career Theory (SCCT)

همکاران در تلاش برای گنجاندن طیف وسیع تری از مکانیسم‌ها و فرایندهای شناختی اجتماعی در مطالعه رفتار تحصیلی و شغلی در سال ۱۹۹۴، نظریه شغلی شناختی اجتماعی را ارائه کردند (Lent et al., 2003b: 458). نظریه شغلی شناختی اجتماعی لنت، براون و هاکت^۱ به تعامل بین انواع متغیرهای فردی، محیطی و رفتاری مربوط می‌شود (Lent et al., 2005: 53; Lent et al., 2008: 84). به عبارتی این نظریه شامل مجموعه‌ای از متغیرهای فردی، رفتاری و محیطی است که فرض می‌شود به پیشرفت فرایند تحصیلی و شغلی می‌انجامند (Lent et al., 2010: 244). در میان متغیرهای فردی، این نظریه بر نقش باورهای خودکارآمدی، انتظار نتیجه و قصد رفتاری در توانمندسازی افراد تأکید می‌کند (Lent et al., 2010: 244). متغیرهای محیطی (زمینه‌ای) که شامل حمایت‌ها و موانع اجتماعی هستند (Lent et al., 2005: 85)، دارای پتانسیلی هستند که گزینه‌های انتخابی خاصی را برای افراد گسترش یا محدود می‌سازند (Lent et al., 2010: 244). لنت و همکاران (Lent et al., 2001: 474-475) معتقدند براساس نظریه شغلی شناختی اجتماعی، متغیرهای زمینه‌ای می‌توانند از طریق سه مسیر اصلی بر فرایند انتخاب شغل تأثیرگذار باشند. نخست در طول دوره شکل‌گیری رشد تحصیلی و شغلی، محیط‌هایی که فرد در آن قرار می‌گیرد، ارائه‌کننده فرصت‌ها، منابع و پاداش‌های متفاوتی برای یادگیری آن‌ها است. این توانایی‌های زمینه‌ای و تجربیات یادگیری، آن‌ها را قادر می‌سازد که به توانایی‌های خود و پیامدهای انجام آن عمل، باور پیدا کنند و در نهایت میزان علاقه آن‌ها به انجام این فعالیت‌ها بهبود یابد. دوم آنکه در طول دوره‌های انتخاب شغلی، برخی عوامل زمینه‌ای ممکن است مستقیماً بر گزینه‌های انتخابی افراد تأثیرگذار باشند. سوم آنکه حمایت‌ها و موانع زمینه‌ای، تعدیل‌کننده‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که طی آن، افراد علائق شغلی خود را به قصد رفتاری و قصد رفتاری خود را به رفتار تبدیل می‌کنند. پس به‌طور کلی می‌توان گفت قصد رفتاری و اقدامات (رفتار) انتخاب شغلی و حرفه‌ای عمدتاً تحت تأثیر متغیرهای علائق، خودکارآمدی و نتایج مورد انتظار و نیز حمایت‌ها و موانعی است که افراد در رابطه با گزینه‌های انتخابی خاص تجربه کرده‌اند یا انتظار دارند تجربه کنند (Lent et al., 2005: 84). در ادامه هر کدام از این متغیرها توضیح داده می‌شود.

به اعتقاد لنت و همکاران (۱۹۹۴) هسته اصلی نظریه شغلی شناختی اجتماعی، تمایل یا قصد^۲ فرد است. قصد خوداشتغالی به‌صورت قصد شروع یک کسب‌وکار جدید (Zhao et al., 2005: 1265) یا قصد داشتن کار شخصی (Douglas & shepherd, 2002: 5) تعریف شده است.

1. Lent, Brown, & Hackett
2. Intention

اولین متغیر نظریه شغلی شناختی اجتماعی، خودکارآمدی^۱ است (Caines, 2017: 49). خودکارآمدی به باورها و افکار درونی افراد اشاره دارد درمورد اینکه آیا آنان خود، توانایی لازم برای انجام یک کار نوآورانه و مخاطره‌آمیز را دارند یا اینکه می‌توانند به شکل اثربخشی، مهارت‌های خود را برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار به کار گیرند (Safa & Mangeli, 2015: 4). شواهد نشان داده‌اند این متغیر بر متغیرهای انتظار نتیجه، علائق و قصد، تأثیرگذار است (Azadi et al., 2017: 71; Dickinson et al., 2017: 4; Hunt et al., 2016: 2; Lanero et al., 2016: 14; Rodríguez et al., 2016: 12; Thungjaroenkul et al., 2016: 152; Inda et al., 2013: 350; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 89; Schaub & Tokar, 2005: 305; Lent et al., 2003a: 112; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al., 2001: 480; Lent et al., 1994: 93).

دومین متغیر نظریه شغلی شناختی اجتماعی، نتایج مورد انتظار^۲ است. نتایج مورد انتظار، باور افراد درمورد نتایج حاصل از انجام اقدامات خاص توسط آن‌ها است (Lent et al., 2011: 185). به عبارتی باور افراد درمورد پیامدهای اقدامات آن‌ها است (Lent et al., 2008: 53). براساس شواهد، این متغیر تأثیر مستقیمی بر متغیرهای قصد و علائق دارد (Azadi et al., 2017: 71; Dickinson et al., 2017: 4; Rodríguez et al., 2016: 12; Thungjaroenkul et al., 2016: 152; Inda et al., 2013: 350; Nash, 2013: 63; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2005: 86; Schaub & Tokar, 2005: 305; Lent et al., 2003a: 112; Lent et al., 2001: 480; Lent et al., 1994: 93).

متغیر دیگر، علائق^۳ است. این متغیر، ترجیحات افراد نسبت به انجام فعالیت‌های خاص است (Peña-Calvo et al., 2016: 342). علائق شغلی به‌عنوان الگوهایی از دوست‌داشتن و تفاوت قائل شدن در بین مشاغل و فعالیت‌های مرتبط با شغل تعریف شده است (Bonitz et al., 2010: 187; Lent et al., 2011: 224). محققان معتقدند این متغیر به‌طور مستقیم بر قصد رفتاری، اثرگذار است و آن را پیش‌بینی می‌کند (Dickinson et al., 2017: 4; Lanero et al., 2016: 14; Rodríguez et al., 2016: 12; Inda et al., 2013: 351; Lent et al., 2011: 485; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 86; Schaub & Tokar, 2005: 305; Lent et al., 2003a: 103; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al., 2001: 480; Lent et al., 1994: 93).

-
1. Self-Efficacy
 2. Outcome Expectation
 3. Interests

متغیر عوامل ساختار اجتماعی، دیگر سازه مهمی است که نقش تأثیرگذاری روی قصد خوداشتغالی ایفا می‌کند (Peña-Calvo et al., 2016: 346). حمایت‌های اجتماعی^۱، شرایطی هستند که پیشرفت شغلی را تسهیل می‌کنند (Dahling & Thompson, 2010: 374). حمایت‌های اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر متغیرهای خودکارآمدی و قصد رفتاری دارند (Ramos-Sandoval & Ramos-Díaz, 2019: 5; Rodríguez et al., 2016: 12; Nash, 2013: 63; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 86; Schaub & Tokar, 2005: 305; Lent et al., 2003a: 103; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al., 2001: 480; Lent et al., 1994: 93).

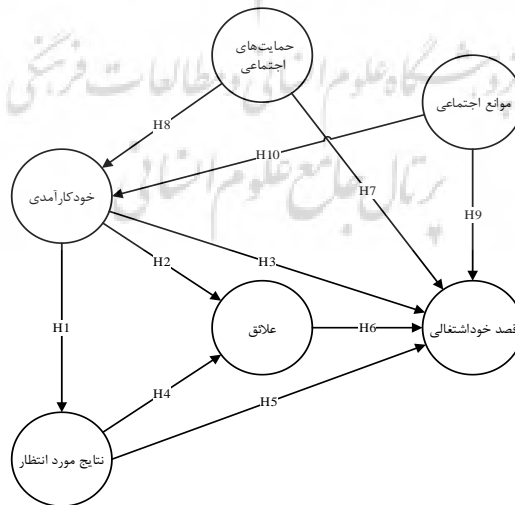
موانع اجتماعی^۲، شرایطی موقعیتی هستند که مانع پیشرفت شغلی می‌شوند (Dahling & Thompson, 2010: 374). آلبرت و لوزو (Albert & Luzzo, 1999: 224) معتقدند فردی که معتقد است موانع مربوط به شغل - به عنوان عامل بیرونی - غیرقابل کنترل و پایدار هستند، موانع مربوط به شغل را به عواملی مانند سرنوشت یا بخت نسبت می‌دهد. در نتیجه بعید است چنین فردی، وقت و انرژی خود را صرف غلبه بر موانع مربوط به شغل کند. از طرف دیگر، افرادی که موانع مربوط به شغل را به دلایل داخلی، قابل کنترل و ناپایدار نسبت می‌دهند، احتمالاً راهبردهایی را برای مقابله و غلبه بر موانع درک شده به عنوان راهی برای افزایش فرصت کسب موفقیت و رضایت شغلی در نظر می‌گیرند. براساس این مفروضات می‌توان ادعا کرد نسبت دادن موانع مربوط به شغل به عوامل غیرقابل کنترل، خارجی و پایدار می‌تواند مانعی برای توسعه اثربخش انتخاب شغلی محسوب شود. در این بین، افرادی که معتقدند تصمیمات شغلی، درونی و تحت کنترل خودشان است، ممکن است هم نقش فعالی در جهت آینده شغلی خود و هم مسئولیت شخصی در قبال تصمیم‌گیری و جمع‌آوری انواع اطلاعات برای چنین تصمیماتی داشته باشند. محققان معتقدند این متغیر تأثیری مستقیم و منفی بر متغیرهای قصد و خودکارآمدی دارد (Ramos-Sandoval & Ramos-Díaz, 2019: 5; Rodríguez et al., 2016: 12; Inda et al., 2013: 351; Nash, 2013: 63; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 86; Schaub et al., 2005: 305; Lent et al., 2003a: 103; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al., 2001: 480; Lent et al., 1994: 93).

پیشنهاد شده‌اند. همچنین نظریه شغلی شناختی اجتماعی به صورت شکل ۱ نشان داده شده است.

H1: خودکارآمدی تأثیر مثبتی بر نتایج مورد انتظار زنان روستایی از خوداشتغالی در قالب

تشکل‌های تعاونی دارد.

- H2: خودکارآمدی تأثیر مثبتی بر علائق زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H3: خودکارآمدی تأثیر مثبتی بر قصد رفتاری زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H4: نتایج مورد انتظار، تأثیر مثبتی بر علائق زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H5: نتایج مورد انتظار، تأثیر مثبتی بر قصد رفتاری زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H6: علائق زنان روستایی، دارای تأثیر مثبتی بر قصد رفتاری آن‌ها به انجام خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است.
- H7: حمایت‌های اجتماعی جامعه، تأثیر مثبتی بر قصد رفتاری زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H8: حمایت‌های اجتماعی جامعه، تأثیر مثبتی بر خودکارآمدی زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H9: موانع اجتماعی جامعه، تأثیر منفی بر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.
- H10: موانع اجتماعی جامعه، تأثیر منفی بر خودکارآمدی زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد.



شکل ۱. نظریه شغلی شناختی اجتماعی

منبع: Lent et al., 2011

۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با بهره‌گیری از روش پیمایش، طراحی و اجرا شده است. جامعه آماری در این پژوهش، زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد محلی در استان لرستان ۱۰۸۷ نفر بودند که براساس جدول کرجسی و مورگان، نمونه‌ای ۲۸۵ نفری برآورد شد و به‌منظور اطمینان بیشتر تعداد ۳۰۷ پرسشنامه تکمیل شد. شایان ذکر است به‌منظور انتخاب اعضای نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتساب متناسب با حجم نمونه استفاده شد. بدین‌منظور در مرحله اول صندوق‌های خرد اعتباری، سه شهرستان بروجرد، خرم‌آباد و پلدختر انتخاب و سپس از هر صندوق واقع در هر شهرستان به تناسب اعضای آن، تعداد نمونه‌ها انتخاب شدند.

اطلاعات مورد نیاز برای تحقیق از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد. برای بررسی روایی پرسشنامه و صحت گویه‌های آن، از نظرات پیشنهادی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه لرستان، کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان و کارشناسان اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان استفاده شد که پس از اصلاحات پیشنهادی آن‌ها، اطمینان حاصل شد که گویه‌ها و سؤالات مطرح‌شده، قابلیت اندازه‌گیری محتوا و خصوصیات مورد نظر در پژوهش حاضر را دارند. پایایی پرسشنامه نیز با انجام یک مطالعه پیش‌آزمون با ۳۰ نفر از زنان روستایی که خارج از جمعیت نمونه بودند و با آزمون کرونباخ آلفا تأیید شد. شایان ذکر است مقیاس سنجش همه گویه‌های مربوط به متغیرهای نظریه شغلی شناختی اجتماعی شامل خودکارآمدی، نتایج مورد انتظار، حمایت‌های اجتماعی، موانع اجتماعی، علائق و قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب شکل‌های تعاونی، طیف لیکرت پنج‌امتیازی «خیلی کم»، «کم»، «تا حدودی»، «زیاد» و «خیلی زیاد» بود. آمار توصیفی گویه‌های مربوط به متغیرهای پنهان نظریه شغلی شناختی اجتماعی و آماره‌های توصیفی آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است. شایان ذکر است برای دستیابی به یافته‌های تحقیق، از آزمون‌های مختلف آماری استفاده شد؛ برای مثال برای توصیف نمونه آماری از آماره‌های مختلف توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه، فراوانی و درصد فراوانی) بهره گرفته شد. بررسی رابطه بین متغیرها به کمک همبستگی پیرسون انجام گرفت و درنهایت به کمک نرم‌افزار AMOS²⁴ عوامل مؤثر و رابطه علی و معلولی از مدل معادلات ساختاری بررسی شدند.

جدول ۱. آمار توصیفی گویه‌های مربوط به متغیرهای پنهان نظریه شغلی شناختی اجتماعی			
متغیرها	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
نوع کارآمدی	از دانش، مهارت و توانایی‌های لازم برای خوداشتغالی در قالب یک تعاونی برخوردارم.	۳/۰۱	۱/۱۷
	معتقدم در خوداشتغالی در قالب یک تعاونی موفق می‌شوم.	۳/۴۴	۱/۰۹
	حتی زمانی که همه چیز سخت است، می‌توانم عملکرد خوبی در اشتغال به‌صورت تعاونی داشته باشم.	۳/۳۴	۱/۰۵
	معتقدم از طریق خوداشتغالی در قالب تعاونی می‌توانم حرفه خوبی برای خودم ایجاد کنم.	۳/۵۵	۱/۱۰
	قادرم اهداف و مقاصد شغل جدیدم را شناسایی کنم و به آن‌ها دست بیابم.	۳/۵۸	۱/۱۰
	اعتقاد دارم برای هر کاری تلاش کنم می‌توانم در آن موفق شوم.	۴/۰۲	۰/۹۵
	اطمینان دارم می‌توانم کارهای مختلف تعاونی را به‌طور اثربخش انجام دهم.	۳/۵۷	۱/۰۸
	به توانایی خودم در خوداشتغالی در قالب تعاونی اطمینان دارم.	۳/۶۰	۱/۰۸
	اگر بخواهم قادرم شغلی در قالب تعاونی ایجاد کنم.	۳/۴۵	۱/۱۴
	اگر همه چیز در اختیارم باشد، توانایی ایجاد شغل در قالب تعاونی را دارم.	۳/۷۱	۱/۱۱
	تایید مورد انتظار	از طریق خوداشتغالی در قالب تعاونی می‌توانم به امنیت مالی زیادی دست یابم.	۳/۵۵
استقلال در کار برای من مهم است.		۴/۰۷	۰/۹۵
از طریق خوداشتغالی در قالب تعاونی می‌توانم به استقلال برسیم.		۳/۷۷	۱/۰۹
موفقیت برای من، اهمیت زیادی دارد.		۴/۳۰	۰/۹۳
از طریق خوداشتغالی در قالب تعاونی می‌توانم به موفقیت دست یابم.		۳/۹۳	۱/۰۶
از طریق خوداشتغالی در قالب تعاونی به امنیت شغلی دست پیدا می‌کنم.	۳/۸۲	۱/۰۱	
حمایت همپایان	خوداشتغالی از طریق تعاونی در بین همسایگان وجهه مثبتی دارد.	۳/۶۵	۱/۰۷
	اگر بخواهم اقدام به خوداشتغالی در قالب تعاونی کنم، دوستانم مرا تشویق می‌کنند.	۳/۵۱	۱/۱۴
	اگر بخواهم اقدام به خوداشتغالی در قالب تعاونی کنم، اقوام و آشنایان مرا تشویق و حمایت می‌کنند.	۳/۴۷	۱/۱۷
حمایت‌های خانواده	برای تشکیل تعاونی افرادی هستند که به‌عنوان الگو و راهنما کمک کنند.	۳/۱۸	۱/۲۵
	اگر در تشکیل تعاونی به کمک نیاز داشته باشم، اعضای خانواده‌ام به من کمک می‌کنند.	۳/۶۶	۱/۱۴
	اگر برای تشکیل تعاونی با شرایط بحرانی روبه‌رو شوم، می‌توانم روی کمک خانواده‌ام حساب کنم.	۳/۴۴	۱/۲۹
	اگر برای تشکیل تعاونی به‌تنهایی از عهده کارها برنیاورم، می‌توانم از اعضای خانواده‌ام کمک بگیرم.	۳/۵۶	۱/۲۱

متغیرها	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
حمایت اداری-آموزشی	برای تشکیل تعاونی می‌توانم از حمایت‌های سازمان جهاد کشاورزی یا اداره تعاون بهره‌مند شوم.	۳/۲۳	۱/۱۸
	برای تشکیل تعاونی، اداراتی هستند که به من، اشخاص موفق و کارشناسان خبره معرفی کنند.	۲/۹۵	۱/۱۹
	برای تشکیل تعاونی می‌توانم از زنان تسهیلاتگر روستا کمک بگیرم.	۳/۲۷	۱/۱۷
	در راه‌اندازی تعاونی، ادارات و بخش‌هایی مانند دهیاری و... هستند که به من مشاوره و خدمات بدهند.	۲/۹۱	۱/۲۴
حمایت مالی	خودم توانایی تأمین هزینه‌های تشکیل تعاونی را دارم.	۱/۹۵	۱/۱۲
	برای تشکیل تعاونی، دولت و بانک‌ها حمایت مالی و تسهیلاتی خوبی می‌کنند.	۲/۳۴	۱/۱۴
	برای تشکیل تعاونی، خانواده و افرادی هستند که مرا حمایت مالی کنند.	۲/۲۸	۱/۱۱
	برای تشکیل تعاونی، در شرایط بحرانی خانواده‌ام مرا حمایت می‌کنند.	۲/۱۸۶	۱/۲۷
منابع مالی	به‌دلیل هزینه‌بر بودن، توانایی تأمین هزینه‌های تشکیل تعاونی را ندارم.	۳/۰۱	۱/۴۶
	خانواده‌ام بنیۀ مالی کافی برای کمک به من در تشکیل تعاونی را ندارند.	۳/۰۸	۱/۴۲
	ادارات و بانک‌ها از لحاظ مالی (تسهیلات) از تعاونی‌ها حمایت نمی‌کنند.	۲/۹۰	۱/۳۴
منابع آموزشی-اداری	برای تشکیل تعاونی، مشکلات دست‌وپاگیر اداری زیادی وجود دارد.	۳/۶۷	۱/۲۲
	در تشکیل تعاونی، آموزش‌ها و مشاوره‌های مناسبی وجود ندارد.	۲/۹۲	۱/۲۴
	در منطقه ما برای خوداشتغالی در قالب تعاونی، دانش و اطلاعات کافی وجود ندارد.	۳/۰۴	۱/۲۸
	ادارات، همکاری مناسبی برای تشکیل تعاونی نمی‌کنند.	۲/۹۷	۱/۲۸
بهبود کیفیت	برای تشکیل تعاونی، رابطه‌بازی و پارتی‌بازی وجود دارد.	۳/۳۴	۱/۴۱
	برای تشکیل تعاونی، اولویت را به مردان می‌دهند.	۳/۲۵	۱/۳۴
	در دادن وام و تسهیلات، رابطه‌بازی و طایفه‌بازی وجود دارد.	۳/۳۵	۱/۴۰
	بانک‌ها و ادارات، در ارائه خدمات و تسهیلات، اولویت را به مردان می‌دهند.	۳/۱۶	۱/۳۰
علاقه	من به اشتغال از طریق یک تعاونی علاقه‌مندم.	۲/۹۳	۱/۱۲
	من به انجام کار جمعی در قالب تعاونی علاقه دارم.	۳/۸۸	۱/۱۲
	دوست دارم با همکاری جمع کار کنم.	۳/۹۴	۱/۱۱
قصد خوداشتغالی	ترجیح می‌دهم از طریق تعاونی برای خودم شغل ایجاد کنم تا اینکه برای دیگران کار کنم.	۳/۱۸۶	۱/۲۵
	می‌خواهم از طریق تعاونی رئیس خودم باشم.	۴/۰۲	۱/۱۱
	هدف من این است که از طریق تعاونی برای خودم شغل و درآمد ایجاد کنم.	۴/۰۷	۱/۰۷
	آماده‌ام برای تشکیل تعاونی هر کاری انجام دهم.	۳/۱۸۶	۱/۱۶
	به‌طور جدی پیگیر خوداشتغالی در قالب تعاونی هستم.	۳/۶۵	۱/۲۲
	دوست دارم روزی کسب‌وکار خودم را در قالب تعاونی شروع کنم.	۳/۸۵	۱/۱۷

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی نشان داد میانگین سن کل پاسخگویان، ۳۸/۳۶ سال با انحراف معیار ۹/۷۷ است. کمترین سن پاسخگویان ۱۷ سال و بیشترین آن‌ها ۶۷ سال است. براساس وضعیت تأهل، از کل ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۵۹ نفر (۱۹/۲ درصد) مجرد، ۲۳۲ نفر (۷۵/۶ درصد) متأهل و ۱۶ نفر (۵/۲ درصد) بیوه‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس وضعیت سرپرستی خانوار نشان داد درمورد ۷۳/۳ درصد از پاسخگویان همسر آن‌ها سرپرست خانوار است، ۱۵ درصد پدر آن‌ها سرپرست خانوار است و ۱۱/۷ درصد خود مسئولیت سرپرستی خانوار را برعهده دارند.

توزیع فراوانی پاسخگویان براساس نوع اشتغال همسر/پدر نشان داد شغل پدر/همسر ۷۳ درصد از پاسخگویان کشاورز، ۹/۴ درصد کارمند و ۱۷/۶ درصد سایر مشاغل است. نتایج آمار توصیفی براساس سابقه خانوادگی خوداشتغالی نشان داد از کل ۳۰۷ نفر پاسخگو، ۱۰۹ نفر (۳۵/۵ درصد) سابقه خانوادگی خوداشتغالی دارند. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس تحصیلات مشخص کرد ۱۹ نفر (۶/۲ درصد) بی‌سواد، ۶۷ نفر (۲۱/۸ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۷۹ نفر (۲۵/۷ درصد) زیردیپلم، ۷۵ نفر (۲۴/۵ درصد) دیپلم و ۶۷ نفر (۲۱/۸ درصد) دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. همچنین براساس نتایج، از کل ۳۰۷ نفر پاسخگو، فقط ۱۲۲ نفر (۳۹/۷ درصد) در دوره‌های آموزشی کارآفرینی یا خوداشتغالی شرکت کرده‌اند.

۴-۲. آزمون همبستگی

۴-۲-۱. رابطه بین متغیرهای نظریه شغلی شناختی اجتماعی

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای نظریه شغلی شناختی اجتماعی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، متغیر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیرهای خودکارآمدی درک‌شده ($r=0/634$)، نتایج مورد انتظار ($r=0/700$)، حمایت‌های اجتماعی ($r=0/498$) و علائق ($r=0/739$) است. همچنین متغیر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی، رابطه منفی و معنی‌داری با متغیر موانع اجتماعی ($r=-0/351$) دارد.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای نظریه شغلی شناختی اجتماعی

متغیرها	X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆
خودکارآمدی	۱					
نتایج مورد انتظار	۰/۸۰۱**	۱				

متغیرها	X ₁	X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆
حمایت‌های اجتماعی	۰/۷۲۰**	۰/۶۴۸**	۱			
موانع اجتماعی	-۰/۰۸۳	-۰/۱۸۴*	-۰/۰۴۳	۱		
علائق	۰/۶۸۱**	۰/۷۲۶**	۰/۶۴۸**	-۰/۱۸۳*	۱	
قصد	۰/۶۳۴**	۰/۷۰۰**	۰/۴۹۸**	-۰/۳۵۱**	۰/۷۳۹**	۱
X ₁		X ₂	X ₃	X ₄	X ₅	X ₆
خودکارآمدی		نتایج مورد انتظار	حمایت‌ها	موانع	علائق	قصد خوداشتغالی

* معنی‌داری در سطح ۵٪ ** معنی‌داری در سطح ۱٪

۴-۳. واکاوی مدل علی عوامل مؤثر بر رفتار بر اساس نظریه شغلی شناختی اجتماعی

در این بخش با توجه به مدل نظری پژوهش و به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، داده‌های گردآوری شده در قالب تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار AMOS₂₄ تجزیه و تحلیل شدند. در این راستا، از رویکرد دومرحله‌ای در مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در مرحله اول، مدل اندازه‌گیری اجرا شد تا افزون بر بررسی برازش مدل تحقیق با داده‌های میدانی، مشخص شود متغیرهای آشکار یا شاخص‌های هر متغیر پنهان با چه دقتی آن را اندازه‌گیری می‌کنند. در مرحله دوم، پس از برآورد مدل اندازه‌گیری و انجام اصلاحات ضروری، مدل ساختاری تحقیق برآورد و براساس آن به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته شد.

۴-۳-۱. مدل اندازه‌گیری تحقیق

به منظور تدوین مدل اندازه‌گیری نظریه شغلی شناختی اجتماعی و آزمون روایی سازه، پایایی ترکیبی و برازش مدل، داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار AMOS₂₄ از طریق تحلیل عاملی تأییدی تجزیه و تحلیل شدند که یافته‌ها در جدول ۳ و شکل ۲ آمده است. براساس نتایج تحقیق، به غیر از گویه‌های SE4 و SE6 مربوط به سازه خودکارآمدی، گویه‌های OE1 و OE2 مربوط به سازه نتایج مورد انتظار، گویه‌های INT4، INT5 و INT6 مربوط به سازه قصد که به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۵ از فرایند تحلیل حذف شدند، مقدار بار عاملی تمامی متغیرهای آشکار در مدل اندازه‌گیری نظریه شغلی شناختی اجتماعی بزرگ‌تر از ۰/۵ است (جدول ۳). همچنین پس از حذف گویه‌های اشاره‌شده، مقادیر میانگین واریانس استخراج شده^۱ (AVE) و پایایی ترکیبی (C.R) برای شش متغیر پنهان مورد مطالعه به ترتیب بزرگ‌تر از ۰/۵ و ۰/۷ محاسبه شدند (جدول ۳). براین اساس، روایی همگرا و پایایی ترکیبی ابزار تحقیق مورد تأیید بود. در خصوص روایی تشخیصی، با توجه به اینکه مقدار AVE برای

1. Average Variance Extracted

هر متغیر پنهان از مقادیر حداکثر مجذور واریانس مشترک (MSV)^۱ و میانگین مجذور واریانس مشترک (ASV)^۲ متغیرهای پنهان در مدل اندازه‌گیری نظریه شغلی شناختی اجتماعی بزرگ‌تر بود، روایی تشخیصی ابزار تحقیق نیز تأیید شد.

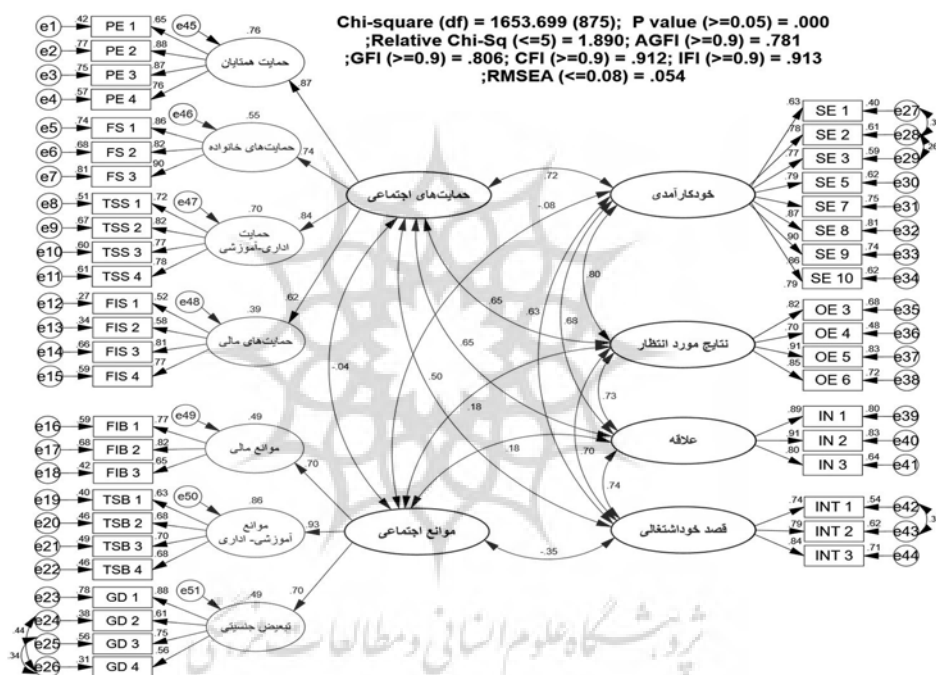
جدول ۳. نتایج برآورد روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری نظریه شغلی شناختی-اجتماعی

متغیر پنهان	نشانگر در مدل	مقدار غیراستاندارد	ضریب استاندارد (بار عاملی)	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	شاخص‌های روایی و پایایی	
قصد	INT 1	۱/۰۰۰	-۰/۷۳۷	-	-	AVE= -۰/۶۲۶	
	INT 2	-۰/۹۴۳	-۰/۷۸۷	-۰/۰۶۰	۱۵/۶۵۱	CR= -۰/۸۳۳	
	INT3	-۰/۹۷۸	-۰/۸۴۵	-۰/۰۷۶	۱۲/۷۸۷	MSV= -۰/۵۴۷ ASV= -۰/۳۶۲	
علائق	IN 1	۱/۰۰۰	-۰/۸۹۵	-	-	AVE= -۰/۷۵۷	
	IN 2	۱/۰۲۱	-۰/۹۱۰	-۰/۰۴۵	۲۲/۷۹۳	CR= -۰/۹۰۳	
	IN 3	-۰/۸۹۲	-۰/۸۰۱	-۰/۰۵۰	۱۷/۹۳۴	MSV= -۰/۵۴۷ ASV= -۰/۳۹۸	
نتایج مورد انتظار	OE 3	۱/۰۰۰	-۰/۸۳۲	-	-	AVE= -۰/۶۷۸	
	OE4	۱/۷۲۰	-۰/۶۹۵	-۰/۰۵۴	۱۳/۳۸۳	CR= -۰/۸۹۳	
	OE5	۱/۰۸۴	-۰/۹۱۱	-۰/۰۵۶	۱۹/۲۷۵	MSV= -۰/۶۴۱ ASV= -۰/۴۲۲	
خودکارآمدی	SE 1	۱/۰۰۰	-۰/۶۲۹	-	-		
	SE 2	۱/۱۵۸	-۰/۷۸۰	-۰/۰۸۵	۱۳/۶۴۱		
	SE 3	۱/۰۹۴	-۰/۷۶۸	-۰/۰۹۶	۱۱/۴۱۵	AVE= -۰/۶۴۲	
	SE 5	۱/۱۷۷	-۰/۷۸۷	-۰/۱۰۱	۱۱/۶۹۷	CR= -۰/۹۳۴	
	SE 7	۱/۲۷۸	-۰/۸۶۸	-۰/۱۰۳	۱۲/۴۱۹	MSV= -۰/۶۴۱	
	SE 8	۱/۳۳۳	-۰/۸۹۸	-۰/۱۰۴	۱۲/۷۱۰	ASV= -۰/۴۰۷	
	SE 9	۱/۳۴۰	-۰/۸۶۰	-۰/۱۰۸	۱۲/۳۵۳		
	SE 10	۱/۱۹۰	-۰/۷۸۶	-۰/۱۰۳	۱۱/۵۶۵		
	حمایت‌های اجتماعی	حمایت همتایان	۱/۰۰۰	-۰/۸۷۲	-	-	AVE= -۰/۶۰۰
		حمایت‌های خانواده	۱/۲۱۴	-۰/۷۴۳	-۰/۱۳۸	۸/۷۶۹	CR= -۰/۸۵۵
حمایت اداری-آموزشی		۱/۱۷۳	-۰/۸۳۶	-۰/۱۳۹	۸/۴۴۲	MSV= -۰/۵۱۸	
حمایت‌های مالی		-۰/۵۹۹	-۰/۶۲۳	-۰/۰۹۹	۶/۰۳۸	ASV= -۰/۳۲۲	
موانع اجتماعی	موانع مالی	۱/۰۰۰	-۰/۶۹۷	-	-	AVE= -۰/۶۱۰	
	موانع آموزشی-اداری	-۰/۹۳۳	-۰/۹۲۶	-۰/۱۲۷	۶/۷۳۰	CR= -۰/۸۲۲	
	تبعیض جنسیتی	۱/۱۲۳	-۰/۶۹۸	-۰/۱۵۱	۷/۴۵۲	MSV= -۰/۱۲۳	
						ASV= -۰/۰۴۰	

شاخص‌های نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری: Chi-square (df) = 1653.699 (875); p = 0.0001; Relative Chi-square = 1.890; IFI = 0.913; CFI = 0.912; GFI = 0.806; AGFI = 0.781; RMSEA = 0.054

1. Maximum Shared Squared Variance
2. Average Shared Squared Variance

با توجه به اینکه مدل به دست آمده دارای روایی سازه و پایایی لازم بود، در این مرحله به آزمون برازش مدل و بررسی شاخص‌های برازش مدل پرداخته شد. براساس شکل ۲، برازش مدل اندازه‌گیری تحقیق بر مبنای شاخص‌های برازش مختلف در سطح قابل قبول و بیانگر روابط منطقی بین متغیرهای مورد مطالعه است. پس از برقراری روایی سازه و پایایی ترکیبی و فرارگرفتن شاخص‌های برازش در حد مطلوب، در نهایت مدل اندازه‌گیری برازش یافته نظریه شغلی شناختی اجتماعی در قالب شکل ۲ ارائه شد.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری برازش یافته نظریه شغلی شناختی اجتماعی براساس ضرایب استاندارد شده

۲-۳-۴ مدل ساختاری تحقیق

پس از برآورد مدل اندازه‌گیری تحقیق و انجام اصلاحات ضروری روی آن، در این بخش به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق و بررسی شدت، جهت و معنی‌داری روابط ساختاری مفروض در قالب مدل نظری تحقیق، به برآورد مدل ساختاری تحقیق پرداخته شد. در این بخش براساس مدل اندازه‌گیری یا تحلیل عاملی تأییدی که در بخش قبلی ارائه شد، در قالب مدل ساختاری نظریه شغلی شناختی اجتماعی، فرضیه‌های تحقیق در رابطه با تأثیر مستقیم متغیرهای مطالعه شده در مدل تحقیق بر

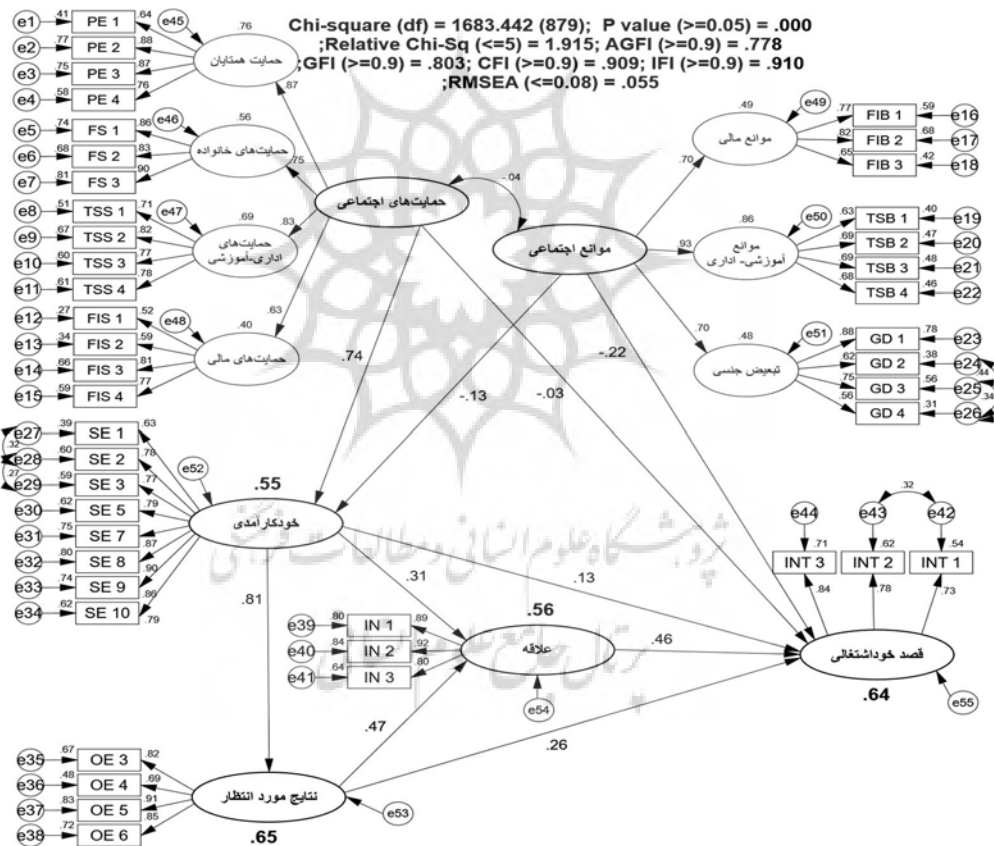
یکدیگر آزمون شدند که نتایج آن در شکل ۳ نشان داده شده است. براساس شکل، برآزش مدل در سطح قابل قبول است.

براساس نتایج در جدول‌های ۴ و ۵ و شکل ۳، درباره تأثیر متغیرهای مدل بر متغیر نتایج مورد انتظار می‌توان گفت متغیر خودکارآمدی ($\beta = ۰/۰۰۱$, Sig. = ۰/۰۰۱)، دارای تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر نتایج مورد انتظار است (تأیید فرضیه اول). از طرف دیگر، متغیرهای حمایت‌های اجتماعی ($\beta = ۰/۵۹۵$) و موانع اجتماعی ($\beta = ۰/۱۰۵$) دارای تأثیر غیرمستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر نتایج مورد انتظار هستند. این متغیرها در مجموع قادر به تبیین ۶۵ درصد از تغییرپذیری متغیر نتایج مورد انتظار بوده‌اند. همچنین می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تغییرپذیری متغیر نتایج مورد انتظار توسط متغیر خودکارآمدی بوده است.

همچنین در رابطه با تأثیر متغیرهای مدل بر متغیر علائق می‌توان گفت متغیرهای خودکارآمدی ($\beta = ۰/۳۰۹$, Sig. = ۰/۰۰۰۱) و نتایج مورد انتظار ($\beta = ۰/۴۷۵$, Sig. = ۰/۰۰۰۱)، دارای تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر علائق هستند (تأیید فرضیه‌های دوم و چهارم). از طرفی متغیرهای حمایت‌های اجتماعی ($\beta = ۰/۵۱۱$)، موانع اجتماعی ($\beta = ۰/۰۹۰$) و خودکارآمدی ($\beta = ۰/۳۸۳$) دارای تأثیر غیرمستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر علائق بودند. این متغیرها در مجموع قادر بوده‌اند ۵۶ درصد از تغییرپذیری متغیر علائق را تبیین کنند. می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تغییرپذیری متغیر علائق توسط متغیر حمایت‌های اجتماعی بوده است.

در ارتباط با تأثیر سایر متغیرها بر متغیر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب شکل‌های تعاونی می‌توان گفت متغیرهای نتایج مورد انتظار ($\beta = ۰/۲۶۱$, Sig. = ۰/۰۰۹) و علائق ($\beta = ۰/۴۵۷$, Sig. = ۰/۰۰۰۱) دارای تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر قصد خوداشتغالی هستند (تأیید فرضیه‌های پنجم و ششم). همچنین متغیر موانع اجتماعی ($\beta = ۰/۰۰۰۱$, Sig. = ۰/۰۰۰۱)، دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر قصد خوداشتغالی است (تأیید فرضیه نهم). از طرفی سازه‌های حمایت‌های اجتماعی ($\beta = ۰/۴۸۱$)، موانع اجتماعی ($\beta = ۰/۰۸۵$)، خودکارآمدی ($\beta = ۰/۵۲۶$) و نتایج مورد انتظار ($\beta = ۰/۲۱۷$) دارای تأثیر غیرمستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر قصد خوداشتغالی هستند. در مجموع این متغیرها قادر به پیش‌بینی ۶۴ درصد از تغییرپذیری متغیر قصد زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب شکل‌های تعاونی هستند. در رابطه با اثرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل بر متغیر قصد خوداشتغالی می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تغییرپذیری قصد خوداشتغالی توسط متغیر خودکارآمدی تبیین شده است. شایان ذکر است متغیرهای

خودکارآمدی ($\beta = 0/۲۵۰$, Sig. = $0/۰۶۹۴$) و حمایت‌های اجتماعی ($\beta = -0/۰۳۳$, Sig. = $0/۰۶۹۴$) اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر قصد خوداشتغالی ندارند و فرضیه‌های سوم و هفتم تأیید نشد. درنهایت، در رابطه با اثرگذاری متغیرهای مدل بر متغیر خودکارآمدی می‌توان گفت متغیر حمایت‌های اجتماعی ($\beta = 0/۷۳۸$, Sig. = $0/۰۰۰۱$) دارای تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر متغیر خودکارآمدی است (تأیید فرضیه‌های هشتم). همچنین متغیر موانع اجتماعی ($\beta = -0/۱۳۰$, Sig. = $0/۰۱۶$)، دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر خودکارآمدی بود (تأیید فرضیه دهم). این متغیرها در مجموع ۵۵ درصد از تغییرپذیری متغیر خودکارآمدی را تبیین کرد؛ بنابراین می‌توان بیان کرد بخش عمده‌ای از تغییرپذیری متغیر خودکارآمدی توسط متغیر حمایت‌های اجتماعی بوده است.



شکل ۳. مدل ساختاری نظریه شغلی شناختی اجتماعی براساس ضرایب استانداردشده

جدول ۴. خلاصه نتایج برآورد مدل ساختاری در خصوص آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	رابطه	مقدار غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۱	خودکارآمدی ← نتایج مورد انتظار	۰/۹۸۱	۰/۰۹۴	۰/۸۰۶	۱۰/۳۸۶	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۲	خودکارآمدی ← علائق	۰/۴۲۰	۰/۱۲۰	۰/۳۰۹	۲/۵۰۶	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۳	خودکارآمدی ← قصد خوداشتغالی	۰/۱۵۶	۰/۱۳۶	۰/۱۲۵	۱/۱۴۹	۰/۲۵۰ ^{ns}	رد فرضیه
۴	نتایج مورد انتظار ← علائق	۰/۵۳۰	۰/۱۰۰	۰/۴۷۵	۵/۳۲۷	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۵	نتایج مورد انتظار ← قصد خوداشتغالی	۰/۲۶۷	۰/۱۰۳	۰/۲۶۱	۲/۶۰۴	۰/۰۰۹ ^{***}	تأیید فرضیه
۶	علائق ← قصد خوداشتغالی	۰/۴۱۹	۰/۰۷۶	۰/۴۵۷	۵/۵۵۴	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۷	حمایت اجتماعی ← قصد خوداشتغالی	-۰/۰۵۱	-۰/۱۲۹	-۰/۰۳۳	-۰/۳۹۳	۰/۶۹۴ ^{ns}	رد فرضیه
۸	حمایت اجتماعی ← خودکارآمدی	۰/۹۰۱	۰/۱۱۳	۰/۷۳۸	۷/۹۶۷	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۹	موانع اجتماعی ← قصد خوداشتغالی	-۰/۲۵۸	-۰/۰۷۱	-۰/۲۱۹	-۲/۶۳۳	۰/۰۰۱ ^{***}	تأیید فرضیه
۱۰	موانع اجتماعی ← خودکارآمدی	-۰/۱۲۳	-۰/۰۵۱	-۰/۱۳۰	-۲/۳۹۹	۰/۰۱۶ [*]	تأیید فرضیه

^{***} معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ و ^{*} معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ ^{ns} عدم معنی‌داری

شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری: CFI = 0.910; IFI = 1.915; Relative Chi-square = 1.915; p = 0.0001; Chi-square (df) = 1683.442 (879); GFI = 0.803; AGFI = 0.778; RMSEA = 0.055

جدول ۵. خلاصه نتایج اثرات غیرمستقیم استاندارد

سازه	اثرات غیرمستقیم	موانع اجتماعی	خودکارآمدی	نتایج مورد انتظار
قصد	۰/۴۸۱	۰/۰۸۵	۰/۵۴۶	۰/۲۱۷
علائق	۰/۵۱۱	۰/۰۹۰	۰/۳۸۳	
نتایج مورد انتظار	۰/۵۹۵	۰/۱۰۵		

۵. بحث

یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه در اغلب کشورها، اشتغال‌زایی و فقرزدایی در مناطق روستایی به‌ویژه برای زنان روستایی است که نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند و از آنجا که این قشر محروم جامعه، سهم بزرگی از نیروی کار مورد نیاز بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند، اهمیت دادن به نیازهای آن‌ها باید در اولویت برنامه‌های توسعه قرار گیرد. به همین منظور و در جهت رفع نیازهای مالی و اقتصادی زنان و ایجاد درآمد، خوداشتغالی و افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها، تشکیل و راه‌اندازی تشکل‌های تعاونی می‌تواند از اهرم‌های مؤثر در دستیابی آن‌ها به اهداف مورد نظر باشد. اما موضوع مهمی که در این راستا حائز اهمیت است، عواملی است که تصمیم و قصد زنان روستایی برای شروع سرمایه‌گذاری و فعالیت در تشکل‌های تعاونی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بنابراین پژوهش حاضر به‌منظور واکاوی قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی استان لرستان نسبت به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی از طریق کاربرد نظریه شغلی شناختی اجتماعی انجام شد. نتایج مدلسازی معادلات ساختاری فرضیه‌های مربوط به نظریه شغلی شناختی اجتماعی نشان داد:

۱. متغیر خودکارآمدی تأثیر مستقیم مثبت و معنی داری روی انتظار نتیجه آن‌ها دارد و قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر انتظار نتیجه است. این نتیجه با برخی مطالعات (Hunt et al., 2016: 3; Rodríguez et al., 2016: 12; Thungjaroenkul et al., 2016: 155; Inda et al., 2013: 351; Blanco, 2011: 54; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 90; Lent et al., 2003b: 462; Segal et al., 2002: 52; Lent et al., 2001: 480) سازگاری دارد. خودکارآمدی، باورهای افراد درمورد توانایی‌هایشان در اقدام به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است و نتایج مورد انتظار، باور افراد راجع به نتایج یا عواقب ناشی از اقدام به این پدیده است؛ بنابراین براساس نتایج می‌توان گفت داشتن دانش، مهارت و توانایی در اقدام به خوداشتغالی در تعاونی می‌تواند به کسب نتایج مطلوب ناشی از آن مشتمل بر کسب موفقیت در کار، دستیابی به استقلال، امنیت مالی بالا و امنیت شغلی شود؛
۲. متغیر نتایج مورد انتظار، تأثیر مستقیم مثبت و معنی داری روی علائق اعضای صندوق‌های خرد محلی نسبت به اقدام به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی دارد. این نتیجه با دستاوردهای دیکینسون و همکاران (۲۰۱۷)، تونگ داروانکل و همکاران (۲۰۱۶)، ایندا و همکاران (۲۰۱۳)، لنت و همکاران (۲۰۱۰)، لنت و همکاران (۲۰۰۵) و لنت و همکاران (۲۰۰۱) مطابقت دارد. درواقع شاید بتوان چنین برداشت کرد که کسب نتایج مطلوب ناشی از خوداشتغالی در قالب تعاونی از جمله کسب موفقیت در کار، دستیابی به استقلال، امنیت مالی بالا، امنیت شغلی و... می‌تواند در ایجاد علائق اعضای صندوق‌های خرد محلی تأثیرگذار باشد؛
۳. متغیر خودکارآمدی تأثیر مستقیم مثبت و معنی داری روی علائق اعضای صندوق‌های خرد محلی دارد و قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر علائق است. این یافته با نتایج دیکینسون و همکاران (۲۰۱۷)، لانرو و همکاران (۲۰۱۶)، رودریگز و همکاران (۲۰۱۶)، ایندا و همکاران (۲۰۱۳)، بلانکو (۲۰۱۱)، لنت و همکاران (۲۰۱۱)، لنت و همکاران (۲۰۱۰)، لنت و همکاران (۲۰۰۸)، لنت و همکاران (۲۰۰۵)، لنت و همکاران (۲۰۰۳) و لنت و همکاران (۲۰۰۱) مطابقت دارد؛ بنابراین براساس نتایج می‌توان به این نتیجه رسید که باورهای افراد درمورد توانایی خودشان برای اقدام به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی بر میزان علائق آن‌ها در ایجاد کسب‌وکار تأثیرگذار است. در همین رابطه زارع و میرباقری (۲۰۱۲) بیان کردند چنانچه زنان روستایی اعم از فقیر و غنی به این نتیجه برسند که صندوق برایشان مفید است، به آن گرایش پیدا می‌کنند؛
۴. متغیر علائق دارای تأثیر مثبت و معنی داری بر قصد اعضای صندوق‌های خرد محلی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است. سایر محققان (Lanero et al., 2016: 14; Inda et al., 2013: 351; Blanco, 2011: 54; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 90; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al.,

480 (2001) نیز در پژوهش خود به نتایج همسانی دست یافتند. شاید وجود رابطه معنی‌دار بین علائق و قصد ناشی از این باشد که علائق زیربنا و موتور محرک فرد برای انجام یک کار باشد. در واقع علائق به یک پدیده سبب افزایش قصد فرد برای انجام آن پدیده می‌شود؛

۵. متغیر نتایج مورد انتظار، تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری روی قصد اعضای صندوق‌های خرد محلی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است. این یافته با نتایج آزادی و همکاران (۲۰۱۷)، دیکینسون و همکاران (۲۰۱۷)، ایندا و همکاران (۲۰۱۳)، بلانکو و همکاران (۲۰۱۱)، لنت و همکاران (۲۰۱۰)، لنت و همکاران (۲۰۰۵)، سگال و همکاران (۲۰۰۲)، لنت و همکاران (۲۰۰۱) مطابقت دارد. بونیتز و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند نتایج مورد انتظار، اعتقادات افراد در مورد احتمال پیامدهای پاسخ یا پیامدهای تصور شده از انجام یک رفتار خاص است. این انتظارات می‌توانند ملموس (مانند پاداش مالی) یا می‌توانند ذاتی یا حاصل خودارزیابی (مانند ارزش‌ها و نیازهای مربوط به کار) باشند؛

۶. موانع اجتماعی، تأثیر منفی و معنی‌داری بر قصد خوداشتغالی زنان روستایی دارد. این یافته با مطالعات سایر محققان (Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 90) همخوانی دارد. موانع، پدیده‌هایی هستند که در تحلیل میدان نیرو، عامل بازدارنده محسوب می‌شوند و وجود این پدیده‌ها می‌تواند در بی‌انگیزی و بی‌تمایلی رفتار افراد مؤثر باشد. در همین راستا، زارع و میرباقری (۲۰۱۲) معتقدند در حال حاضر به دلیل فراگیر شدن رسانه‌های دیداری و شنیداری و گسترش سواد و تحصیلات در اقصی نقاط کشور از جمله روستاها، نگرش زنان روستایی به دلیل در معرض وسایل نوساز از حالت سنتی خارج شده است. در نتیجه این امر روی گرایش به مشارکت زنان در صندوق‌های خرد محلی تأثیر مثبتی داشته است؛

۷. متغیر حمایت‌های اجتماعی تأثیر مستقیم مثبت و معنی‌داری روی خودکارآمدی اعضای صندوق‌های خرد محلی دارد و قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر خودکارآمدی است. این یافته با نتایج راموس-ساندووال و راموس دیاز (۲۰۱۹)، رودریگز و همکاران (۲۰۱۶)، ایندا و همکاران (۲۰۱۳)، لنت و همکاران (۲۰۱۱)، لنت و همکاران (۲۰۰۸)، لنت و همکاران (۲۰۰۵)، لنت و همکاران (۲۰۰۳) و لنت و همکاران (۲۰۰۱) مطابقت دارد. حمایت‌ها، عوامل و شرایطی هستند که پیشرفت شغلی را تسهیل می‌کنند و خودکارآمدی، باورهای افراد در مورد توانایی‌های آن‌ها برای انجام کارهای نوآورانه و مخاطره‌آمیز به عبارتی شروع خوداشتغالی است. پس براساس نتیجه شاید بتوان گفت عوامل و شرایطی که پیشرفت شغلی را تسهیل می‌کنند، بر باورهای افراد در مورد توانایی‌های آن‌ها برای اقدام به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی تأثیر گذارند؛

۸. موانع اجتماعی دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر خودکارآمدی است. این نتیجه با نتایج برخی مطالعات (Rodríguez et al., 2016: 12; Ali et al., 2014: 181; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 90; Lent et al., 2003b: 462; Lent et al., 2001: 480) همخوانی دارد. همان‌گونه که اشاره شد، موانع اجتماعی از پیچیدگی و تنوع علل و تأثیر برخوردار است و طبیعتاً وجود موانع اجتماعی ممکن است سبب کاهش احساس عزت‌نفس و خودکارآمدی جامعه هدف شود؛

۹. متغیر خودکارآمدی اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر قصد خوداشتغالی ندارد. این نتیجه با مطالعات برخی محققان (Azadi et al., 2017: 74; Dickinson et al., 2017: 11; Lanero et al., 2016: 14; Inda et al., 2013: 351; Lent et al., 2011: 185; Lent et al., 2010: 248; Lent et al., 2008: 54; Lent et al., 2005: 90; Lent et al., 2003a: 112; Lent et al., 2003b: 462) همخوانی ندارد. شاید علت عدم تأثیرگذاری مستقیم این متغیر، ناشی از منش‌های قشر یادشده و پایین بودن اعتمادبه‌نفس و عدم تصور قالبی زنان از فعالیت خوداشتغالی مستقل از همسر یا افراد مذکر خانواده باشد؛

۱۰. متغیر حمایت‌های اجتماعی دارای اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر قصد خوداشتغالی نیست. این یافته با نتایج راموس-ساندووال و راموس دیاز (۲۰۱۹)، رودریگز و همکاران (۲۰۱۶)، لنت و همکاران (۲۰۱۱)، لنت و همکاران (۲۰۱۰)، لنت و همکاران (۲۰۰۸)، لنت و همکاران (۲۰۰۵) و لنت و همکاران (۲۰۰۳) همسو نیست و با نتایج مطالعه لنت و همکاران (۲۰۰۱) همخوانی دارد. علت عدم تأثیر مستقیم معنی‌دار این متغیر بر قصد زنان برای خوداشتغالی، ممکن است ناشی از عدم باور جامعه مردسالار نسبت به استقلال درآمدی و اشتغال مستقل زنان و ملحوظ‌نبودن پدیده خوداشتغالی زنان در ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی منطقه مورد مطالعه باشد.

۶. نتیجه‌گیری

این مطالعه به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد استان لرستان نسبت به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی از طریق کاربرد نظریه شغلی شناختی اجتماعی بود. نتایج مطالعه نشان از برتری نظریه از لحاظ قدرت برآزش و پیش‌بینی قصد رفتاری زنان روستایی استان لرستان نسبت به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است. براساس یافته‌های پژوهش از ده فرضیه مورد مطالعه، هشت فرضیه تأیید شدند و فرضیه سوم (تأثیر خودکارآمدی درک‌شده بر قصد خوداشتغالی) و فرضیه هفتم (تأثیر حمایت‌های اجتماعی بر قصد خوداشتغالی) تأیید نشدند. براساس نتایج، متغیر علائق دارای بیشترین تأثیر مستقیم بر قصد رفتاری

زنان روستایی به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی است. همچنین متغیر خودکارآمدی، دارای بیشترین تأثیر غیرمستقیم روی قصد رفتاری زنان روستایی به خوداشتغالی آن‌ها در قالب تشکل‌های تعاونی بود.

۷. پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- برگزاری دوره‌های خوداشتغالی که به افزایش سطح آگاهی، دانش و مهارت اعضای صندوق‌های خرد محلی در راه‌اندازی تعاونی‌های خوداشتغالی منجر می‌شوند و آن‌ها را در راه‌اندازی این تعاونی‌ها توانمند می‌کنند؛
- به منظور افزایش خودکارآمدی اعضای صندوق‌های خرد محلی زمینه‌سازی لازم برای همکاری بین سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره با سازمان جهاد کشاورزی و نیز اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای معرفی و شناسایی افراد دارای پتانسیل در زمینه خوداشتغالی و کار تیمی (میل به کسب موفقیت، دستیابی به استقلال، علائق و نگرش مساعد خوداشتغالی) به عمل آید؛
- شناسایی افراد الگو و خوداشتغال موفق که از طریق اقدام به این شیوه کسب‌وکار به نتایج مطلوب دست یافته‌اند و معرفی آن‌ها از طریق تدوین برنامه‌ها و جلساتی به اعضای صندوق‌های خرد محلی تا اعضای صندوق‌های خرد محلی، هم از نزدیک با این افراد آشنا شوند و هم از طریق تشویق این افراد و استفاده از تجربیات آن‌ها به سمت خوداشتغالی سوق داده شوند؛
- دوره‌های خوداشتغالی و کارگاه‌های کارآفرینی در جهت بهبود خودکارآمدی و افزایش علائق زنان روستایی برگزار شود؛
- سازمان‌های ذی‌ربط از جمله سازمان جهاد کشاورزی و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان از طریق معرفی مزایا و ارزشمندی تعاونی، تأمین تسهیلات و اطمینان‌دهی به افراد برای حمایت و هدایت روند کار تعاونی، انگیزه افراد را به خوداشتغالی در قالب تشکل‌های تعاونی بالا برند؛
- از طریق برگزاری نشست‌های محلی به همراه تسهیلگران و کارشناسان، نتایج و پیامدهای مثبت خوداشتغالی در شکل شرکت تعاونی برای زنان روستایی معرفی شوند؛

- با توجه به اینکه موانع اجتماعی، مجموعه پیچیده و گسترده‌ای است که شامل بازدارنده‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاستی است. در این بین، اگرچه سیاست‌های مسئولان برای ترویج فعالیت‌های خوداشتغالی وجود دارد، به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند وابستگی اختیارات زن به سرپرست، وجود تصورات قالبی حاکم بر جامعه، ناآشنایی با تجربه زیسته‌های موفق بتوانند تأثیرات سیاستی را کاهش یا خنثی کنند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های جمعی در قالب‌های متنوع موجب اصلاح نگرش سرپرستان و اصلاح نگرش جامعه و اجتماعات محلی آنان اقدام کرد؛
- براساس نتیجه کسب شده شاید بتوان گفت عوامل و شرایطی که پیشرفت شغلی را تسهیل می‌کنند، بر باورهای افراد درمورد توانایی‌های آن‌ها برای اقدام به خوداشتغالی تأثیرگذارند. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود از طریق شناسایی افراد دارای پتانسیل و برگزاری نشست‌های تیمی و نیز دعوت زنان موفق به تقویت روحیه خودکارآمدی افراد اقدام کرد. همچنین تقدیر از نمونه‌های موفق اعضای صندوق اعتبارات خرد در سطح استانی از طریق برگزاری جشنواره‌های سالانه، ضمن ایجاد انگیزه در بین اعضای صندوق به رقابت سازنده بین صندوق‌های مختلف منجر می‌شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد تهیه و پخش فیلم‌های داستانی از تجربه زیسته زنان موفق تعاونگر بتواند در تقویت روحیه خودکارآمدی مخاطبان مؤثر باشد؛
- به نظر می‌رسد بتوان از طریق ایجاد فرصت‌های تعاملی بین زنان موفق و جامعه هدف با کمک تسهیلگران نسبت به ارتقای اعتمادبه‌نفس و درنهایت تقویت روحیه خودکارآمدی آنان اقدام کرد. در این رابطه، جذب کارشناسان بومی-محلی که دارای شناخت عمیق و تسلط کافی نسبت به شرایط جغرافیایی و اوضاع اقتصادی و اجتماعی هر منطقه هستند، می‌تواند در بهبود توانمندی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد محلی مؤثر باشد.

۸. سیاست‌گذاری

این مقاله برگرفته از طرح پایان‌نامه دانشجویی با عنوان «واکاوی قصد رفتاری زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد استان لرستان نسبت به خوداشتغالی در قالب شکل‌های تعاونی» با قرارداد شماره ۵۳۵۰۲ است که بین اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان لرستان و معاونت پژوهشی دانشگاه لرستان انجام گرفته و حمایت شده که قابل تقدیر است.

۹. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadpour, A., Shahraki, M., & Hosseinzadeh, F. (2021). An analysis of the desire of rural women to develop agricultural-oriented businesses in Mazandaran province. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 8(2), 63-80.
<https://doi.org/10.22069/JEAD.2021.19522.1532> (In Persian)
- Albert, K. A., & Luzzo, D. A. (1999). The role of perceived barriers in career development: A social cognitive perspective. *Journal of Counseling & Development*, 77(4), 431- 436.
<https://doi.org/10.1002/j.1556-6676.1999.tb02470.x>
- Ali, S. R., & Menke, K. A. (2014). Rural Latino youth career development: An application of social cognitive career theory. *The Career Development Quarterly*, 62(2), 175-186.
<https://doi.org/10.1002/j.2161-0045.2014.00078.x>
- Alizad, A., & Bahrami, S. (2017). The role of rural women in creating green business (The case study of two Ghaleh Ghaph villages and Kafsh Didtrict in Golestan Province). *Journal of Social Work*, 2(7), 122-150.
<https://doi.org/10.22054/rjsw.2016.8098> (In Persian)
- Alonso, N., & Trillo, D. (2014). Women, rural environment and entrepreneurship. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 161, 149-155.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.12.039>
- Babaei-Amin, M., Baradaran, M., & Forouzani, M. (2020). Evaluation of Micro-Credit Funds for Rural Women in Lorestan Province of Iran. *Village and Development*, 23(2), 135-156.
<https://doi.org/10.30490/RVT.2020.286723.1059> (In Persian)
- Barghi, H., Tagdisi, A., Taziki, R., & Naderkhani, Z. (2014). Investigating Rural women's Participation in Agricultural Activities (case of Northern Astarabad villages of Gorgan). *Spatial Planning*, 3(4), 155-174.
<https://doi.org/20.1001.1.22287485.1392.3.4.11.4> (In Persian)
- Barimani, F., Nikmanesh, Z., & Khodaverdiloo, S. (2010). Role of small size - Credits Regarding Empowerment of Rural Women Case Study: Lakestan Sub- District Salmas of County. *Journal of Space Economy & Rural Development*, 1(1), 69-82. <http://serd.khu.ac.ir/article-1-1562-fa.html> (In Persian)
- Blanco, Á. (2011). Applying social cognitive career theory to predict interests and choice goals in statistics among Spanish psychology students. *Journal*

of *Vocational Behavior*, 78(1), 49-58.

<https://doi.org/10.1016/j.jvb.2010.07.003>

Bonitz, V. S., Larson, L. M., & Armstrong, P. I. (2010). Interests, self-efficacy, and choice goals: An experimental manipulation. *Journal of Vocational Behavior*, 76(2), 223-233. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2009.09.003>

Caines, V. D. (2017). Late-Life Career Choice: The Antecedents of Self-Employment Interest for Older Workers. *Doctoral thesis*. Australia: Australian National University. <https://services.anu.edu.au/research-support/ethics-integrity>

Dahling, J. J., & Thompson, M. N. (2010). Contextual supports and barriers to academic choices: A policy-capturing analysis. *Journal of Vocational Behavior*, 77(3), 374-382. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2010.07.007>

Dickinson, J., Abrams, M. D., & Tokar, D. M. (2017). An examination of the applicability of social cognitive career theory for African American college students. *Journal of Career Assessment*, 25(1), 1-18. <https://doi.org/10.1177/1069072716658648>

Douglas, E. J., & Shepherd, D. A. (2002). Self-employment as a career choice: Attitudes, entrepreneurial intentions, and utility maximization. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(3), 81-90. <https://doi.org/10.1177/104225870202600305>

Hunt, H. K., Flores, L. Y., Navarro, R. L., & Lee, H. S. (2016). Increasing diverse students' persistence in engineering: A social cognitive perspective. In *2016 IEEE Frontiers in Education Conference (FIE)*, 1-6. <https://doi.org/10.1109/FIE.2016.7757729>

Inda, M., Rodríguez, C., & Peña, J. V. (2013). Gender differences in applying social cognitive career theory in engineering students. *Journal of Vocational Behavior*, 83(3), 346-355. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2013.06.010>

Ingutia, R., Reztis, A. N., & Sumelius, J. (2020). Child poverty, status of rural women and education in sub Saharan Africa. *Children and Youth Services Review*, 111, 104869. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.104869>

Johnson, N. L., Kovarik, C., Meinzen-Dick, R., Njuki, J., & Quisumbing, A. (2016). Gender, assets, and agricultural development: Lessons from eight projects. *World Development*, 83, 295-311. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.01.009>

- Koolwal, G. B. (2021). Improving the measurement of rural women's employment: Global momentum and survey priorities. *World Development*, 147, 105627. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105627>
- Kooshki, F., Iravani, H., & Kalantari, K. (2011). Influential factors on improvement of women participation in rural micro credit funds: a case study of Kermanshah province of Iran. *Journal of Village and Development*, 14(1), 15-33. http://rvt.agri-peri.ac.ir/article_59169.html?lang=fa (In Persian)
- Lanero, A., Vázquez, J. L., & Aza, C. L. (2016). Social cognitive determinants of entrepreneurial career choice in university students. *International Small Business Journal*, 34(8), 1-23. <https://doi.org/10.1177/0266242615612882>
- Lent, R. W., Brown, S. D., & Hackett, G. (1994). Toward a unifying social cognitive theory of career and academic interest, choice, and performance. *Journal of Vocational Behavior*, 45(1), 79-122. <https://doi.org/10.1006/jvbe.1994.1027>
- Lent, R. W., Brown, S. D., Brenner, B., Chopra, S. B., Davis, T., Talleyrand, R., & Suthakaran, V. (2001). The role of contextual supports and barriers in the choice of math/science educational options: A test of social cognitive hypotheses. *Journal of counseling psychology*, 48(4), 474. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.48.4.474>
- Lent, R. W., Brown, S. D., Nota, L., & Soresi, S. (2003a). Testing social cognitive interest and choice hypotheses across Holland types in Italian high school students. *Journal of Vocational Behavior*, 62(1), 101-118. [https://doi.org/10.1016/S0001-8791\(02\)00057-X](https://doi.org/10.1016/S0001-8791(02)00057-X)
- Lent, R. W., Brown, S. D., Schmidt, J., Brenner, B., Lyons, H., & Treistman, D. (2003b). Relation of contextual supports and barriers to choice behavior in engineering majors: Test of alternative social cognitive models. *Journal of Counseling Psychology*, 50(4), 474-483. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.50.4.458>
- Lent, R. W., Brown, S. D., Sheu, H. B., Schmidt, J., Brenner, B. R., Gloster, C. S., ... & Treistman, D. (2005). Social cognitive predictors of academic interests and goals in engineering: Utility for women and students at historically black universities. *Journal of counseling psychology*, 52(1), 84. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.52.1.84>
- Lent, R. W., Lopez Jr, A. M., Lopez, F. G., & Sheu, H. B. (2008). Social cognitive career theory and the prediction of interests and choice goals in

- the computing disciplines. *Journal of Vocational Behavior*, 73(1), 52-62. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2008.01.002>
- Lent, R. W., Lopez, F. G., Sheu, H. B., & Lopez Jr, A. M. (2011). Social cognitive predictors of the interests and choices of computing majors: Applicability to underrepresented students. *Journal of Vocational Behavior*, 78(2), 184-192. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2010.10.006>
- Lent, R. W., Paixao, M. P., Da Silva, J. T., & Leitão, L. M. (2010). Predicting occupational interests and choice aspirations in Portuguese high school students: A test of social cognitive career theory. *Journal of Vocational Behavior*, 76(2), 244-251. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2009.10.001>
- Lordkipanidze, M., Brezet, H., & Backman, M. (2005). The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. *Journal of cleaner production*, 13(8), 787-798. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2004.02.043>
- McStay, D. (2008). An investigation of undergraduate student self-employment intention and the impact of entrepreneurship education and previous entrepreneurial experience. *Doctoral thesis*. Australia: Bond University, School of Business. <http://research.bond.edu.au/en/studentTheses/ddac8e35-436b-4360-804e-d113b5865d4e>
- Mirlotfi, M., Bandani, M., & Shahraki, S. (2013). The role of the hidden work of women in rural household welfare (Case study: Rural women in Hamoon city). *Spatial Planning*, 3(3), 49-68. <https://doi.org/20.1001.1.22287485.1392.3.3.6.7> (In Persian)
- Mohammad Poor, P. (2019). Evaluation of Rural Women's role in Sustainable Development of Agriculture with Emphasis on Affectivity of Educational-Promotional Activities in Promoting Healthy Product Production in Gilan Province (Case Study: Rural areas of Langerrod and Roodsar Townships). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(4), 989-1002. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_664044.html (In Persian)
- Namjouyan Shirazi, Z. (2015). Ability of micro-credit funds for rural women in entrepreneurship and small business development. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 1(3), 65-82. <https://doi.org/20.1001.1.24767735.1393.1.3.4.3> (In Persian).
- Narayanan, S., Lentz, E., Fontana, M., De, A., & Kulkarni, B. (2019). Developing the women's empowerment in nutrition index in two states of India. *Food Policy*, 89, 101780. <https://doi.org/10.1016/j.foodpol.2019.101780>

- Nash, S. L. (2013). Relationships of Contextual Supports and Barriers in Choice Behavior for Associate Degree and Diploma Registered Nurses. *Doctoral thesis*. United States: University of WisconsinMilwaukee.
<https://www.proquest.com/openview/8645155213ba2c48754bbcbb5c2ea8f0/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Norouzi, A., Farhadian, H. O. M. A. Y. O. N., & Hoseinian, M. (2019). Investigating the amount of economic, social, psychological, and family empowerment of rural women who are member of microfinance credits in Sistan area. *Rural Development Strategies*, 6(2).
<https://doi.org/10.22048/rdsj.2020.169642.1777> (In Persian)
- Organization of Agriculture –Jahad- Lorestan. (2021). Agricultural Extension Coordination Management statistics. <https://lorestan.maj.ir> (In Persian)
- Patil, S., & Kokate, K. (2017). Identifying factors governing attitude of rural women towards Self-Help Groups using principal component analysis. *Journal of rural studies*, 55, 157-167.
<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2017.08.003>
- Peña-Calvo, J. V., Inda-Caro, M., Rodríguez-Menéndez, C., & Fernández-García, C. M. (2016). Perceived supports and barriers for career development for second-year STEM students. *Journal of Engineering Education*, 105(2), 341-365. <https://doi.org/10.1002/jee.20115>
- Ramos-Sandoval, R., & Ramos-Díaz, J. (2019). Does contextual barriers and supports has an effect on STEM career development? A case study among system engineering students in Peru. In 2019 Congreso Internacional de Innovación y Tendencias en Ingeniería (CONIITI) (pp. 1-5). IEEE.
<https://doi.org/10.1109/CONIITI48476.2019.8960780>
- Rodríguez, C., Inda, M., & Fernández, C. M. (2016). Influence of social cognitive and gender variables on technological academic interest among Spanish high-school students: testing social cognitive career theory. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 16, 1-21. <https://doi.org/10.1007/s10775-015-9312-8>
- Roy, S., Ara, J., Das, N., & Quisumbing, A. R. (2015). “Flypaper effects” in transfers targeted to women: Evidence from BRAC’s “Targeting the Ultra Poor” program in Bangladesh. *Journal of Development Economics*, 117, 1-19. <https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2015.06.004>.
- Saeidi, M., Chaharsoughi Amin, H., Moumenihelali, H., Norouzi, A., & Vahedi, M. (2018). Investigating the Role of Micro-Credit Fund on the Economic Empowerment of Rural Women (The case study: Chardavol

- Township, Ilam Province). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(4), 149-175.
<https://doi.org/10.22051/JWSPS.2018.18916.1649> (In Persian)
- Safa, L., & Mangeli, N. (2015). The effect of entrepreneurial self-efficacy on agricultural students' entrepreneurial intention at University of Zanjan. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 7(33), 3-15. <https://doi.org/10.22092/JAEAR.2015.105813> (In Persian)
- Salehi, M., Rahimian, M., & Gholamrezai, S. (2017). Analysis of the Challenges of Micro-Credit Fund of Rural Women in Lorestan Province. *Agricultural Extension and Education Research*, 10(2), 57-68.
https://jaeer.srbiau.ac.ir/article_11141.html?lang=fa (In Persian)
- Schaub, M., & Tokar, D. M. (2005). The role of personality and learning experiences in social cognitive career theory. *Journal of Vocational Behavior*, 66(2), 304-325. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2004.09.005>
- Segal, G., Borgia, D., & Schoenfeld, J. (2002). Using social cognitive career theory to predict self-employment goals. *New England Journal of Entrepreneurship*, 2, 47-56. <https://doi.org/10.1108/NEJE-05-02-2002-B007>
- Shahabadi, A., & Khatami, T. (2013). The Determinant Factors of Self-employment in the Iranian Economy. *The Economic Research*, 13(1), 91-109. <https://doi.org/20.1001.1.17356768.1392.13.1.7.9> (In Persian)
- Thungjaroenkul, P., Cummings, G. G., & Tate, K. (2016). Testing the social cognitive career theory in Thai nurses' interest to become nurse educators: A structural equation modeling analysis. *Nurse Education Today*, 44, 151-156. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2016.05.027>
- Zaare B., & Mir Bagheri, A. A. (2012). Individual and social factors related to rural women's tendency to participate in micro-credit fund in Mazandaran. *Social Welfare Quarterly*, 12(46), 461-498.
<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-982-fa.html> (In Persian)
- Zhao, H., Seibert, S. E., & Hills, G. E. (2005). The mediating role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions. *Journal of Applied Psychology*, 90(6), 1265-1272. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.90.6.1265>